

حکایت بله یا خیر؟

تحلیل محتوای حکایت‌ها در کتاب فارسی سال دوم دبستان و تعیین سطح خوانایی آن با استفاده از شاخص‌های فلش و گانینگ^۱

سجاد غفوری^۲

چکیده

این پژوهش با ۲ هدف: نقد و تحلیل توصیفی بخش «حکایت» کتاب فارسی خوانداری سال دوم دبستان - تعیین سطح خوانایی آن با فرمول فلش و گانینگ، انجام شد. جامعه آماری شامل بخش حکایت کتاب فارسی سال دوم دبستان بود. روش تحقیق، روش تحلیل محتوا است که با استفاده از روش توصیفی برای نقد کلی و روش کمی (سطح خوانایی) با استفاده از دو فرمول فلش و گانینگ صورت گرفت. نتایج حاصل از روش توصیفی در نقد تصاویر، نشان داد که تصویر حکایت «همکاری» از نظر دو معیار تعداد اشکال متناسب با متن و تنوع رنگ‌های بکار رفته و نیز تصویر حکایت «خوش اخلاقی» از نظر معیار تضاد رنگی از تصاویر سایر حکایت‌ها بهتر می‌باشند. نتیجه دیگر حاصل شده از پژوهش، میزان سطح خوانایی بخش حکایات است که با استفاده از روش فلش، سطح خوانایی آن خیلی ساده است و با بهره‌گیری از روش گانینگ، سطح خوانایی آن متناسب فرادیست که ۴ سال و ۱ ماه درس خوانده‌اند (مناسب دانش‌آموزان پایه دوم نیست).

واژگان کلیدی: تحلیل محتوا، حکایت‌های فارسی سال دوم دبستان، تحلیل محتوای توصیفی، روش فلش، روش گانینگ، سطح خوانایی.

^۱ تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۳/۱۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۱۰/۱۰

^۲ دانشجوی دانشگاه فرهنگیان، sajjad.ghafari@gmail.com

مقدمه

در سال ۱۳۹۱ هجری شمسی کتاب فارسی دوم دبستان تغییر کرد و بخش «حکایت» بدان افزوده شد حال سؤال اساسی این است که «آیا بخش حکایات برای دانش آموزان سال دوم دبستان مناسب می باشد یا خیر؟» در این مقاله سعی شده است پاسخ مناسب و به دور از حاشیه به این سؤال داده شود.

در ابتدای مقاله تحلیل توصیفی بر بخش حکایت‌ها صورت می گیرد که این نقد برای بهتر شدن کتاب فارسی ارائه شده است و با رعایت آن‌ها، می توان به آموزش مؤثرتر کتاب رسید. در ادامه مقاله، با استناد به تکنیک فلش و گانینگ سعی شده است سطح خوانایی بخش حکایت سنجیده شود.

ضرورت و اهمیت این مقاله بیشتر مورد نظر دانش آموزان پایه دوم دبستان می باشد و نیز کلیه افرادی که با آنان سروکار دارند؛ به عبارتی دیگر بخش حکایت فارسی سال دوم دبستان از نظر کیفی و سطح خوانایی، مورد تحلیل قرار می گیرد تا مشخص شود که این بخش، برای فراگیران خوب است یا باید در آن تغییراتی اعمال شود؟

بررسی میزان خوانایی، متون آموزشی یکی از حوزه های پژوهشی است که از سال ۱۹۲۰م آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد. به عنوان مثال، می توان به پژوهش های دوهرمن (۱۹۷۲)؛ لافین (۱۹۷۳)؛ کندی (۱۹۷۹)؛ بورچرز (۱۹۹۰)؛ یولوسی (۲۰۰۶)؛ عارفین، عبدالحلیم و ابوبکار (۲۰۱۳) اشاره کرد. این پژوهشگران منابع آموزشی تهیه شده برای دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی را با شاخص هایی گانینگ، فلش، فرای و دیل-چال ارزیابی کردند و دریافتند که این منابع خوانایی کمی داشتند و متناسب با سطح توانایی مخاطبان خود نبودند. در داخل کشور نیز پژوهشگران از این شاخص ها برای سنجش خوانایی متون آموزشی استفاده کرده اند. اصلی ترین پژوهش صورت گرفته در داخل کشور پژوهش (دیانی، ۱۳۶۶) است که در آن سه فرمول فلش، فرای و گانینگ برای نوشته های فارسی تعدیل و بومی شد. در سال های بعد پژوهشگران از این شاخص ها برای سنجش خوانایی متون آموزشی و ادبی استفاده کردند. شیخ زاده (۱۳۸۷) در پژوهشی بر روی کتاب های چهارم و پنجم ابتدایی بر اساس شاخص سطح خوانایی گانینگ به این نتیجه رسید که سطح خوانایی در بین بخش های اول و وسط کتاب

چهارم، تفاوت محسوسی دارد و هر دو متن در سطحی بالاتر از سطح توانایی دانش آموزان چهارم قرار دارد؛ به علاوه، بین سطح خوانایی بخش دوم و سوم کتاب پنجم هم تفاوت وجود دارد و هر دو متن از نظر سطح خوانایی بالاتر از سطح توانایی دانش آموزان پنجم بود. فضل الهی و ملکی توانا (۱۳۹۰) در پژوهشی در محتوای کتاب علوم پایه سوم به ۴ نتیجه رسیدند: ۱- اصل ساده به دشوار در تنظیم محتوای مطالب رعایت نشده است و از نظر کلمات مطالب از دشوار به ساده و تداوم آن از ساده به دشوار است. ۲- قدرت خوانایی، سطح کلاسی، سطح سنی مطالب نسبت به کلاس سوم تناسب ندارد. ۳- از لحاظ سبک، سطح مطالب معمولی، هجاها خیلی دشوار و تخمین آن بر حسب درجه های آموزشی رسمی در حد بسیار بالایی است. ۴- محتوای مطالب در حد فشار روانی و استرس زا است و توانایی آموزش مستقل را ندارد. شکاری و نجاریان (۱۳۹۱) در پژوهشی که با استفاده از روش گانینگ در محتوای کتاب هدیه های آسمانی چهارم و پنجم ابتدایی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که هیچ یک از این دو کتاب متناسب با سطح سنی و درک و فهم دانش آموزان این دو مقطع تحصیلی نیستند و دارای میزانی از درجه دشواری در خوانایی است. امیری (۱۳۹۴) در پژوهشی براساس شاخص سطح خوانایی گانینگ بر روی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه چهارم ابتدایی، به این نتیجه رسید که سطح خوانایی در بخش اول و دوم تفاوت معنادار و محسوسی با بخش سوم این کتاب دارد و هر سه بخش از سطح خوانایی دانش آموزان پایه چهارم بالاتر است و در کل، این کتاب متناسب با سطح سنی و درک و فهم دانش آموزان این پایه در مقطع ابتدایی نیست و دارای میزان بالایی از درجه دشواری در خوانایی است. شیردم، نوری شاد و جعفری (۱۳۹۵) نیز مقاله ای در مورد ارزیابی سنجش خوانایی کتاب علوم پایه چهارم ابتدایی براساس فرمول فلش انجام دادند و بدین نتایج رسیدند که اولاً اصل ساده به دشوار در تنظیم محتوای کتاب در بخش تعداد هجاها فقط بیست و پنج درصد یعنی سه درس، در تعداد جملات چهل و یک درصد یعنی پنج درس و از نظر طول متوسط جملات در چهل و یک درصد دروس رعایت شده است؛ ثانیاً از لحاظ توجه به سطح خوانایی فراگیران کلاس چهارم ابتدایی صددرصد متن خیلی دشوار است؛ ثالثاً از لحاظ قدرت خوانایی سطح کلاسی و سطح سنی مطالب نسبت به کلاس چهارم تناسب ندارد. پس با توجه به پژوهش های انجام شده می توان این گونه برداشت کرد که متن اکثر کتاب های مقطع ابتدایی

متناسب با سن فراگیران نمی باشد. در این مقاله نیز در پی یافتن سطح خوانایی بخش حکایت کتاب فارسی خوانداری پایه دوم با استفاده از دو شاخص فلش و گانینگ می باشیم.

روش اجرا

روش اجرای پژوهش در این مقاله بر روی بخش حکایت فارسی خوانداری سال دوم دبستان به دو بخش : ۱- روش تحلیل محتوای کیفی (با ارائه ۸ موضوع و نقد درباره آن‌ها و بررسی این که آیا این موضوع‌ها مورد توجه قرار گرفته است یا خیر؟) ۲- تعیین سطح خوانایی (که با اجرای دو روش فلش و گانینگ انجام می گیرد.) تقسیم می گردد که توضیح این دو بخش در زیر و اجرای آن در بخش یافته‌ها آورده می شود.

۱- روش تحلیل محتوای کیفی: در این بخش ، ۸ مفهوم (الف) اهداف (ب) اصول سازماندهی (محتوا ج) تناسب (د) سوالات پایانی (ه) تصاویر و (و) املاء (ز) نشانه (ح) ریزنقش بیان می گردد و مورد بررسی قرار می گیرد.

۲- تعیین سطح خوانایی: با استفاده از روش های فلش و گانینگ مورد بررسی قرار گرفته می شود؛ روش فلش در سال ۱۹۴۸ م به منظور تعیین سطح سادگی یا دشواری و ضریب سادگی مطالب کتاب درسی توسط رادلف اف فلش ارائه گردید ، این فرمول ، براساس دو عامل زبانی ، یعنی طول متوسط جمله و تعداد هجاها طراحی شده است (فضل‌اللهی و ملکی توانا ، ۱۳۸۹ : ۸۰). این روش که برای سنجش سطح خوانایی متون فارسی نیز تغییراتی کرده است به سطح کلاسی دانش آموزان نیز توجه دارد یعنی سطح خوانایی را براساس درجه های آموزش رسمی- که در جدول نتیجه گیری بدان پرداخته می شود- تنظیم کرده است.

قبل از تبیین مراحل این روش ، باید چند مفهوم مورد توجه قرار گیرند:

۱- کلمه: مجموعه ای از حروف الفبا که یک واحد اعم از اسم ، صفت ، فعل ، حرف اضافه و قید را تشکیل می دهد (رمضی-حیدری- محمدی جلالی ، ۱۳۹۴ : ۹۳).

۲- هجا (سیلاب): هجا از ترکیب صامت‌ها و مصوت‌ها ساخته می شود و بزرگترین واحد ساخت آوایی زبان است. در مباحث آموزش دبستانی از آن با اصطلاح «بخش» یاد می کنند (زندگی ، ۱۳۹۴ : ۳۶).

۳- جمله: مجموعه ای از کلمات است که بین نقطه و یا مکث طولانی قرار گیرد تا معنی یا مفهوم مشخصی را برساند (رمضی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۳).

روش بعدی که سطح خوانایی را می‌سنجد و در این مقاله بکار گرفته شده است، روش گانینگ است؛ روش گانینگ در سال ۱۹۵۱م توسط رابرت گانینگ فوگ و با هدف ارزیابی و تعیین سطح خوانایی مطالب کتاب‌های درسی بر اساس کلاس‌های آموزش رسمی طراحی گردید. (دیانی، ۱۳۶۶: ۳۹) مراحل این روش نیز مانند روش فلش در بخش اجرای تحلیل آورده می‌شود.

یافته‌ها

ابتدا بخش حکایات را مورد تحلیل کیفی قرار داده می‌شود سپس سطح خوانایی این بخش با استفاده از دو فلش و گانینگ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱- روش تحلیل محتوای کیفی: در این مقاله بخش حکایت فارسی سال دوم دبستان با موضوعات زیر مورد ارزیابی واقع می‌شود:

۱-۱) برای نقد هدف‌ها از دو راه می‌توان شروع کرد؛ یکی سنجش هدف‌ها با خود. دیگر، سنجش آنچه که یک هدف می‌دهد، با آنچه که می‌ستاند (صفایی حائری (عین-صاد)، ۱۳۸۸: ۴۴). در مورد هدف‌ها، هدف‌هایی که هر کس از یک متن انتظار دارد در اینجا مد نظر نمی‌باشد نقد مورد نظر، بر نداشتن هدف مشخصی برای بخش حکایت در کتاب راهنمای معلم می‌باشد؛ معلم سال دوم دبستان هدف از این بخش را درک نمی‌کند پس به آسانی و بدون توجه لازم به این بخش از آن می‌گذرد که مطلوب برنامه آموزشی نمی‌باشد.

۱-۲) یکی از اصول سازماندهی محتوا، رعایت اصل ساده به دشوار می‌باشد. در نگاه کلی به بخش حکایت، در می‌یابیم که مؤلفان این اصل را رعایت ننموده‌اند، زیرا هر چه کتاب به پایان نزدیک می‌شود، سطح خوانایی آن آسان‌تر می‌گردد و این نکته را می‌توان به راحتی در روش فلش یافت.

۱-۳) تناسب بخش حکایات با فصول در کتاب فارسی خوانداری سال دوم دبستان، مناسب نیست یعنی این کتاب که دارای ۷ فصل مختلف می‌باشد، اما برای این کتاب ۵ حکایت آورده

شده است بهتر بود برای درک بهتر و عادت فراگیران به خواندن حکایت، هر فصل، یک حکایت را دربر داشته باشد (مانند بخش بخوان و بیندیش).

۴-۱) سؤالات پایان حکایت از مزایای این بخش می باشد؛ سؤالات آورده شده در پایان بخش حکایت باعث درگیر شدن دانش آموزان با مفهوم حکایت می گردد و تعدادی از آن‌ها سؤالاتی استدلالی می باشند که البته متناسب با میزان متن حکایت و توانایی کودکان در این سن انتخاب گردیده است.

۵-۱) تصاویر از جمله پرکاربردترین رسانه آموزشی است و معمولاً کتاب‌های درسی دارای تعدادی تصاویر است که با دو هدف: ۱- فهماندن بهتر موضوع به فراگیر ۲- علاقمند کردن فراگیر به مطالعه ی کتاب‌های درسی، مورد استفاده قرار می گیرند (نوریان، ۱۳۹۶: ۴۰). در بخش حکایت، هر بخش یک تصویر را داراست و در این مقاله می خواهیم ۵ تصویر را با هم از نظر تعداد اشکال متناسب با متن، تنوع رنگ‌های بکار رفته و تضاد رنگی موجود به شیوه تحلیل توصیفی مقایسه کنیم؛ مراحل اجرا به شرح زیر است:

مرحله ۱) انتخاب جامعه آماری: جامعه آماری مورد تحلیل در اینجا تصاویر بخش حکایت کتاب فارسی سال دوم است.

مرحله ۲) طراحی نظام رمز گذاری: که شامل: الف) طبقه بندی: طبقات این تحلیل شامل سه مؤلفه تعداد اشکال متناسب با متن، تنوع رنگ‌های بکار رفته و تضاد رنگی (اگر ۲ رنگ متضاد در تصویر آورده شده باشد، ۱ تضاد رنگی آورده شده است) موجود است. ب) واحد ثبت: بخشی از کل تصویر که با ترسیم یک خط بسته که متمایز کننده رنگ‌ها باشد. ج) روش شمارش: فراوانی واحدهای ثبت در این تحلیل شمارش می شود.

مرحله ۳) رمز گذاری اطلاعات: به منظور رمز گذاری اطلاعات، به هر طبقه یک کد داده می شود. (اشکال متناسب با متن کد ۱ - تعداد رنگ‌های بکار رفته کد ۲ - تضاد رنگی کد ۳)

مرحله ۴) تعیین روش آماری: روش آماری مورد استفاده، محاسبه فراوانی و درصد است.

مرحله ۵) پردازش اطلاعات و نتیجه گیری: برای پردازش اطلاعات، جدول صفحه بعد رسم گردید و تعداد واحدهای دارای کد مشابه، شمارش شد و فراوانی آن در خانه مربوطه ثبت گردید. (درصد فراوانی هر کدام با توجه به جمع عمودی محاسبه شده است).

با توجه به جدول می توان این گونه نتیجه گرفت:
 از نظر تعداد اشکال متناسب با متن: حکایت همکاری بیشترین و حکایت راه سلامتی کمترین فراوانی را داشتند.
 از نظر تنوع رنگ های بکار رفته: حکایت همکاری بیشترین و حکایت شیر و موش کمترین فراوانی را داشتند.
 از نظر تضاد رنگی: تنها حکایت خوش اخلاقی بود که بیش از ۲ تضاد رنگی در آن مشاهده شد و سایر حکایت ها ، تنها یک تضاد رنگی را داشتند که این معیار نشان می دهد که توجه به تضاد رنگی (یکی از راه های جذاب تر کردن تصاویر) در این بخش از کتاب فارسی سال دوم مد نظر قرار نگرفته است.

جدول ۱: مقایسه تصاویر به روش محاسبه فراوانی و درصد

شماره تصویر	فراوانی - درصد	اشکال متناسب با متن	رنگ های بکار رفته	تضاد رنگی
۱	فراوانی	۲	۹	۱
	درصد	۱۱,۷۶	۱۸,۷۵	۱۶,۶۷
۲	فراوانی	۳	۱۱	۲
	درصد	۱۷,۶۵	۲۲,۹۱	۳۳,۳۲
۳	فراوانی	۵	۱۴	۱
	درصد	۲۹,۴۱	۲۹,۱۷	۱۶,۶۷
۴	فراوانی	۳	۸	۱
	درصد	۱۷,۶۵	۱۶,۶۷	۱۶,۶۷
۵	فراوانی	۴	۶	۱
	درصد	۲۳,۵۳	۱۲,۵	۱۶,۶۷
جمع	فراوانی	۱۷	۴۸	۶
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

۶-۱) املاي کلمات بخش حکایت نیز می‌تواند یکی از اهداف بخش حکایات باشد؛ در بخش حکایات کتاب فارسی خوانداری سال دوم دبستان، با توجه به متن کوتاه و مختصر حکایت، می‌توان گفت که شناخت کلمات سخت هدفی مهم قلمداد نشده است و در هر حکایت حدود ۲ الی ۴ کلمه مشکل یافت می‌شود که نشان از توجه نسبتاً کم به املاي کلمات ناآشنا برای فراگیران دارد.

۷-۱) نشانه، عنصری است که خواننده را در خواندن اثر راهنمایی می‌کند و جهت‌های گوناگون هر موضوع را نشان می‌دهد (نعمت‌اللهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶۵). بخش حکایت نیز از این عنصر مستثنی نمی‌باشد اما نکته‌ای که باید رعایت شود این است که آیا این نشانه برای مخاطب مورد نظر مناسب می‌باشد یا خیر؟ در مورد راهنمایی کردن فراگیر و مشخص کردن این بخش (بخش حکایت) ایرادی نمی‌توان بر آن گرفت اما با نگاه به کتاب‌های فارسی سال‌های بعد، در می‌یابیم که نشانه به کار رفته در این بخش در سال دوم دبستان مقداری از نشانه به کار رفته در همین بخش در سال‌های بعدی، فراتر می‌باشد یعنی حالت کودکانه کمتری دارد که می‌توان نشانه مورد نظر را تغییر داد بدین گونه که نشانه سال سوم را در سال قبلی آن استفاده کرد و برعکس.

۸-۱) ریز نقش، تصویر و نقشی کوچک است که با دقت و باریک بینی نسبت به متن کتاب و تصویرهای اصلی ترسیم می‌شود تا از یک سو، فضاهای خالی کتاب را پُرکند و از سویی دیگر، اطلاع‌رسانی را سرعت دهد؛ پیام‌های گوناگون متن را ماندگار سازد؛ عنصرهای آن را شناسایی و فضاهای مورد نیاز آن را ایجاد کند؛ از این رو، ریز نقش‌ها در صفحه‌آرایی کتاب گروه‌های سنی کارکردی بسیار گسترده و فراوان دارد (نعمت‌اللهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶۴). این عامل در هیچ کدام از صفحه‌آرایی‌های بخش حکایات استفاده نشده است و می‌توان آن را مخصوصاً در حکایت‌های راه‌سلامتی، خوش‌اخلاقی و کودک زیرک که فضای خالی بیشتری دارند به کار برد.

۲- تعیین سطح خوانایی: حال سطح خوانایی بخش حکایات را به دو روش فلش و گانینگ بررسی می‌کنیم؛ در ابتدا مدل فلش برای حکایات کتاب فارسی (مهارت‌های خوانداری) سال دوم دبستان را انجام می‌دهیم سپس روش گانینگ را برای این بخش اجرا می‌کنیم:

الف) اجرای روش فلش:

۱- نمونه گیری: در کتاب فارسی خوانداری سال دوم دبستان، ۵ حکایت آورده شده است با نام های «راه سلامتی - خوش اخلاقی - همکاری - کودک زیرک - شیر و موش» (رشید آبادی و همکاران، ۱۳۹۵) که سه نمونه یکصد کلمه ای به صورت: یک نمونه یکصد کلمه ای از حکایت اول (راه سلامتی)، یک نمونه یکصد کلمه ای از حکایت سوم (همکاری) و یک نمونه یکصد کلمه ای از حکایت پنجم (شیر و موش) را در نظر می گیریم.

۲- پس از انجام مراحل فلش، عدد ۱۰۱،۲۳ بدست آمد که درجه سادگی نوشته می باشد.

۳- نتیجه گیری:

جدول ۲: تخمین درجه سادگی/ دشواری متن

توصیف سبک	تعداد کلمات در هر جمله	درجه سادگی نوشته	تخمین خوانایی برحسب درجه های آموزش رسمی
خیلی ساده	کمتر از ۹	۹۰-۱۰۰	کلاس اول تا پنجم
ساده	۹-۱۱	۸۰-۹۰	کلاس ششم
قدری ساده	۱۱-۱۴	۷۰-۸۰	کلاس هفتم
معمولی	۱۴-۱۷	۶۰-۷۰	کلاس هشتم و نهم
قدری دشوار	۱۷-۲۱	۵۰-۶۰	کلاس دهم تا دوازدهم
دشوار	۲۱-۲۵	۳۰-۵۰	سال اول دانشگاه
خیلی دشوار	و بیشتر ۲۹-۲۵	۰-۳۰	سال های آخر دانشگاه

مرحله آخر مدل فلش، نتیجه گیری با توجه به جدول بالا می باشد؛ با توجه به جدول و عدد به دست آمده می توان این گونه برداشت کرد که بخش حکایات کتاب فارسی (مهارت های خوانداری) سال دوم دبستان از نظر روش فلش دارای سبک خیلی ساده می باشد و برای دانش آموزان این پایه مناسب است.

ب) مراحل روش گانینگ:

۱- نمونه‌گیری: نمونه‌گیری در تکنیک گانینگ مانند روش فلش می‌باشد و چون جامعه آماری هم یکسان است، از همان نمونه روش فلش استفاده می‌کنیم. (برای کاستن از تکرار، نمونه را آورده نمی‌شود و به مرحله نمونه‌گیری روش فلش ارجاع داده می‌شود).

۲- پس از اجرای روش گانینگ، عدد $۷,۰۷۷$ بدست آمد که میانگین سه نمونه می‌باشد.

۳- نتیجه‌گیری:

نکته: عددی که با روش گانینگ به دست می‌آید برای کشور ما درست به نظر نمی‌آید؛ به این دلیل که کلاس‌های آموزشی در کشور صاحب این روش، زودتر از کشور ما شروع می‌شود. ما با فرض این که کلاس‌ها سه سال زودتر شروع می‌شوند، روش را اجرا می‌کنیم؛ یعنی از هر سطح کلاسی که به دست می‌آید سه کلاس کم می‌کنیم (محمدی، ۱۳۸۹: ۷۲).

با توجه به نکته بیان شده، از عدد به دست آمده در مرحله قبل سه سطح کم می‌کنیم:

$$۷,۰۷۷ - ۳ = ۴,۰۷۷$$

پس بنا بر تکنیک گانینگ در این مقاله، سطح خوانایی بخش حکایت کتاب فارسی سال دوم دبستان در سطح کسانی است که ۴ سال و ۱ ماه درس خوانده باشند؛ پس سطح خوانایی این بخش از کتاب از سطح کلاس دوم بالاتر است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد نقدهایی بر بخش حکایت‌های فارسی سال دوم دبستان آورده شود؛ تصویر حکایت همکاری در دو معیار تعداد اشکال متناسب با متن و تنوع رنگ‌های بکار رفته بالاترین امتیاز را دریافت کرد اما بهتر است رنگ‌های بکار رفته در این تصویر را بیشتر رنگ‌های شاداب تر و رنگ‌های اصلی باشند مثلاً رنگ‌های سبز اصلی، زرد، نارنجی اصلی و حتی آبی اصلی آورده نشده‌اند که با رعایت این نکته تصویری بهتر خواهیم داشت. البته سایر تصاویر این بخش از نظر سه معیار ذکر شده نمره مناسب دریافت کردند ولی نمی‌توان بیان کرد که تصاویر بخش حکایات اشکالاتی ندارد؛ پس باید برای جذابتر شدن این بخش به تصاویر آن

نگاهی مجدد انداخته شود؛ مخصوصاً به معیار تضاد رنگی که می تواند تصویر کودکانه را جذابتر و توجه مخاطب را به خود معطوف کند.

همچنین به رعایت نشدن اصل ساده به دشوار متن و نیز مشخص نبودن اهداف بخش حکایات در کتاب راهنمای معلم پرداخته شد و درباره اهمیت املائی این بخش، نشانه ها و ریزنقش ها در این بخش توضیحی ارائه گردید که امید است در تألیف بعدی مورد عنایت قرار گرفته و تصحیح گردند.

در ادامه مقاله، سطح خوانایی بخش حکایات مورد بررسی قرار گرفت که مشخص گردید این بخش با استفاده از روش فلش، دارای سبک خیلی ساده می باشد و نیز برای فراگیران سال دوم دبستان مناسب است؛ اما با استناد به روش گانینگ، دارای سطحی بالاتر از سطح کلاس دوم دبستان است.

منابع و مأخذ

- ارجمند رشید آبادی، زهرا و همکاران. (۱۳۹۵). فارسی (مهارت های خوانداری) دوم دبستان. تهران: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی. ۵.
- امیری، مهدی. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه چهارم ابتدایی بر اساس شاخص سطح خوانایی گانینگ. اولین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم تربیتی. شیراز.
- دیانی، محمدحسین. (۱۳۶۶). سه فرمول خوانایی برای تشخیص سطح خوانایی نوشته های ویژه نوسوادم. نشریه روانشناسی علوم تربیتی دانشگاه تهران. ۳-۴. صفحه ۵۹-۸۰.
- رمزی، فریدون، حیدری، مجتبی، محمدی جلالی، مجتبی. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای کتاب های درسی. تبریز: انتشارات پژوهش های دانشگاه. ۱.
- زندگی، بهمن. (۱۳۹۴). روش تدریس زبان فارسی (دوره ابتدائی). تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت). ۱۶.

- شکاری، عباس، نجاریان، زکویه. (۱۳۹۱). تعیین شاخص‌های سطح خوانایی گانینگ در محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمانی چهارم و پنجم ابتدائی ایران. پژوهش در برنامه ریزی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه ریزی درسی). ۳۳. صفحه ۷۱-۷۹.
- شیخ زاده، مصطفی. (۱۳۸۷). تحلیل محتوای سطح خوانایی کتاب‌های بخوانیم چهارم و پنجم ابتدائی براساس شاخص سطح خوانایی گانینگ. مطالعات برنامه درسی ایران. ۹. صفحه ۸۴-۹۸.
- شیردم، فریبا، نوری شاد، مرضیه، جعفری، زهرا. (۱۳۹۵). ارزیابی سنجش خوانایی درس‌های کتاب علوم پایه چهارم بر اساس فرمول فلش. اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران. قم.
- صفایی حائری، علی. (۱۳۸۸). روش نقد. جلد اول نقد هدف‌ها و نقد مکتب‌ها. قم: انتشارات لیله القدر. ۴.
- فضل‌اللهی، سیف‌الله، ملکی‌توانا، منصوره. (۱۳۹۰). ارزیابی سنجش سطح خوانایی کتاب علوم پایه سوم بر اساس فرمول فرای، گانینگ، فلش، لافین و کلوز. مطالعات برنامه درسی. ۲۲. صفحه ۱۴۱-۱۶۲.
- محمدی، محسن. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر تحلیل محتوای کتاب درسی. قم: عصر جوان. ۱.
- نعمت‌اللهی، فرامرز و همکاران. (۱۳۸۹). ادبیات کودک و نوجوان. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. ۴.
- نوریان، محمد. (۱۳۹۶). راهنمای عملی تحلیل محتوای کمی و کیفی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. تهران: انتشارات شورا. ۲.
- Arifin, Z., Ab.Halim, Z., and AbuBakar, K. (2013). The readability of Balaghah textbook of Malaysian Higher Certificate of religion (Stam): A pilot study. *Advances in Natural and Applied Science*, 7(2). 192-202.
- Borchers, C. A. (1990). Content area teachers' uses of textbooks and content area reading strategies in Kansas science, social studies, and English secondary school classes. Ph.D Dissertation, Kansas State University. Retrieved July 5, 2014, from <http://phdtree.org/scholar/borchers-carol-a/publication>.

- Dohrman, M. H.(1972).The suitability of encyclopedias for social studies reference use in the intermediate grades.Journal of Educational Research,68(4), 149-52
- Kennedy, K. (1979). Who's afraid of readability scales: selecting high school science texts. Curriculum Review, 18(3), 231-234.
- Laughlin, M. K. (1973). The Readability of the Easy-to- Read Trad Book. Oklahoma: University of Oklahoma.
- Ulusoy, Mustafa (2006). Readability approach: Implications for Turkey. International Eduvcation Journal, 7(3), 323-332.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی